



تأثیر نگاه عاشورایی حاکمان اوده در گسترش تشیع در شمال هند

مهدی عسکریان

کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین
(www.mahdiasgarian65@gmail.com)

چکیده:

کاهش اقتدار مغولان متاخر در هند زمینه ساز به وجود آمدن حکومت های مستقل و نیمه مستقل در نقاط مختلف شبه قاره شد. حکومت اوده در شمال هند یکی از این حکومت ها بود که به صورت نوابی توسط سادات نیشابوری به وجود آمد. ایجاد چهره ای متمایز از گورکانیان و همچنین استقلال از حکومت مغولی که از اهل تسنن بودند مقصود اصلی حاکمان اوده بود همچنین آنان ارادتی ناب به فرهنگ و شعایر مذهب تشیع داشتند. نوابان اوده با بسط و توسعه مراسمات عزاداری و اهتمام در برگزاری آیین ها در کنار ساخت مکان های مذهبی سعی در ایجاد همبستگی اجتماعی و همدلی در بین جمعیت شیعی منطقه داشتند. غالب این مراسمات و آیین ها اگرچه از ایران شیعی وام گرفته شد ولی شکل برگزاری و روش انجام آن منحصر به فرد بود. حتی شکل و مکان های محل تجمع شیعیان جهت عزاداری عاشورا و مراسم محرم متفاوت از زیارتگاه ها و حسینیه ها در ایران و عراق بود. ساختن با شکوه این مکان ها تحت عنوان امامباره ها، درگاه ها و کربلا ها چهره ای مذهبی و شیعی به منطقه داد و نوابان اوده را به عنوان نمایندگان مذهب شیعه در منطقه شناساند. مجموع این اقدامات و امنیت به وجود آمده و ثبات نسبی سیاسی زمینه ساز جذب شیعیان از مناطق مختلف شد. جمعیت شیعی منطقه با گرایش اهل تسنن وهندو ها زیاد تر شد و تشیع در قلمرو اوده گسترش پیدا کرد.

واژگان کلیدی: اوده، شمال هند، نوابان اوده، عاشورا

مقدمه:

در یک نگاه کلی هویت مذهبی و اجتماعی و همچنین همدلی و وحدت یک جامعه در قالب مراسمات اجتماعی و عمومی نمود پیدا می کند. هویت شیعی و اصالت مذهبی جامعه اوده که وجه مشخص و برجسته این دوره می باشد با رشد مجموعه ای از مراسمات و تشریفات که بسیاری را از تشیع ایرانی الگو گرفته بود و البته بسیاری نیز منحصر به فرد بود، مشخص می شود.

با ضعف مغولان متاخر در هندوستان بعد از مرگ اورنگ زیب، آخرین امپراتور مقتدر گورکانی، حکومت نواب پادشاهان اوده (۱۱۴۵-۱۲۷۳ ه. ق، ۱۷۳۲-۱۸۵۶ م) که از امرای ایرانی تبار (نیشابوری) در بار مغولان بودند، در شمال شبه قاره بنیان نهاده شد و بعد ها به عنوان ولایتی مستقل، تا آغاز حکومت مستقیم انگلستان در هند، ادامه حیات داد. دولت اوده به عنوان ایالتی نیمه مستقل و در ادبیات سیاسی دربار مغولان هند به صورت «نوابی» در ایالت اتارپرادش امروزی و در شرق دهلی واقع است، اجازه حکومت یافت. بنیان گذاران این دولت از سادات نیشابوری بودند. آنان با برقرار کردن ثبات نسبی سیاسی و جلب نظر اقوام و گروه های متنوع و متخاصم منطقه توانستند گام به گام به سوی استقلال از مغولان حرکت نمایند. از منظر دیگر حکومت نوابی و مجتهدین ملازم آنان، در رویای ایجاد جامعه ای با مشخصات سیمایی شیعی بودند و در این مسیر نهاد های شیعی را بنیان نهادند مانند قوه قضائیه شیعی و برگزاری آیین هایی مثل نماز جمعه که برای اعلام استقلال



مهم بود. این اهداف مستلزم جلب نظر اقدار پایین و پر جمعیت جامعه بود. احساسات توده مردم اوده در علاقه به حضرت علی(ع) و فرزندان او، به ویژه امام حسین عاملی مهم برای بسیج توده مردم جهت ایجاد جامعه مد نظر طبقه حاکم بود. این امر یکی از مولفه‌های گسترش تشیع در اوده بود.

مراسم عزاداری، مهمترین اقدام نواب اوده برای گسترش تشیع بود. نوابین و بسیاری از درباریان ایرانی بودند، بنابراین، پیروی از آداب و رسوم سنتی پدران خود امری طبیعی بود. آنان در مراسمات از آداب و رسوم ایرانیان الگو برداری کردند و در این راه حتی به مرز غلو نیز رسیدند. (کربلایی، ۱۳۹۴)

مقاله حاضر با نگاهی توصیفی و تحلیلی در پی واکاوی رویکرد حاکمان و نگاه دولت اوده به فرهنگ عاشورایی و تاثیر آن بر روی مقوله گسترش تشیع در شمال هند است. مبحث در دو بستر پیگیری می شود: ساختن امامباره ها (حسینیه ها) و اماکن مشابه که چهره شهری و روستایی منطقه را تحت تاثیر قرار داد و به عنوان کانون و نماد عزاداری عاشورایی در هند شناخته شد و همچنین این اماکن در اعتبار دادن به هویت مذهبی دولت و توده مردم نقش اساسی داشت از نگاهی دیگر امامباره ها هیئتی منحصر به فرد داشتند و مخصوص به این منطقه و متمایز از حسینیه ها و زیارتگاه ها در ایران و عراق بودند مطالعه این مکان ها به عنوان جایگاهی برای رسمیت بخشیدن به عزاداری و تمرکز آیین های سوگواری دارای اهمیت می باشد. همچنین با نگاهی به محتوای برگزاری مراسم سعی خواهد شد شیوه و سیاق ویژه منطقه در برگزاری آیین های سوگواری و جذب اقدار مختلف به مراسم مورد بررسی قرار گیرد.

2

امامباره ها، درگاه ها و کربلا ها

برگزاری آیین ها و مراسمات و ایجاد مکان های زیارتی منحصر به تشیع مورد توجه حاکمان دولت اوده بود. ایجاد همبستگی و همدلی بین شیعیان در گروهی برگزاری هرچه با شکوه تر آیین های عاشورایی و رونق این مراسم بود. مراسمات مذکور نیاز به اماکن مذهبی ویژه عزاداری ماه محرم و مکان های زیارتی داشت. دولت اوده پس از استقرار و ایجاد ثبات نسبی در منطقه و حل و فصل اختلافات قومی، شروع به ساخت اماکن مذهبی شیعه نمود. این عمارت ها ابتدا در فیض آباد و لکنهوا ساخته شد و سپس به سایر نقاط و شهر های دیگر اشاعه پیدا کرد. دگرگونی به وجود آمده توسط نوابین و معماری های عظیم در مقیاس گسترده باعث جذب گروه های بسیار به عنوان نیروی کار در شهر های بزرگ گردید این گروه های پر جمعیت به تدریج با شرکت در مراسمات عزاداری، خود را با طبقه حاکم هماهنگ نمودند و شیعه شدند. حرکت دسته های عزاداری با جمعیت انبوه نیاز به مکانی برای جمع شدن و تمرکز و البته نمادین داشت. این مکانها امامباره ها بودند. امامباره واژه ای به زبان اردو به معنی خانه امام است. اولین ساختمان برای این منظور توسط صفدر جنگ، نواب دوم اوده، در دهلی ساخته شد. البته به آن امامباره گفته نمی شود این عبارت بعد ها به مکان های عزاداری امام حسین (ع) به صورت گسترده اطلاق گردید. در طی دوره حکومت شجاع الدوله سومین نواب اوده، شخصی به نام «آقا باقرخان» امامباره ای برای برادر زاده خود که فردی صاحب منصب در حکومت مغولان بود ساخت. همین عمارت الگویی برای ساخت یک امامباره در حسین آباد گردید. امامباره حسین آباد یا «چوتا امامباره» (امامباره کوچک) در محله حسن آباد لکنهوا یکی از معروفترین امامباره ها است و در کنار آن امامباره آصفی یا امامباره بزرگ قرار دارد که توسط نواب آصف الدوله چهارمین نواب ساخته شده است و بسیار باشکوه ساخته شده است. (Nevell.h.a, 2004, ۱۳۷۳، هالیستر،)



آنچه در فلسفه ساخت امامباره ها و بعد ها مکان هایی با نام کربلا در شمال هند حائز اهمیت است بعد مسافت و دوری اوده از مراکز عمده ی تشیع می باشد. در آن زمان امکان مسافرت مردم عادی به عراق و ایران و زیارت قبور امامان شیعی به آسانی میسر نبود امامباره ها به تقلید از زیارتگاه ها ساخته شد و کارکردی شبیه حسینیه ها در شهر های ایران داشت. سبک معماری امامباره ها و همچنین هدف از ساخت آنها در شمال هند الگویی از حسینیه ها و تکیه های ایران بود. بعد ها با تغییراتی، در اندازه های کوچک و یا در مساحت زیاد، با تجملات فراوان به وفور در هند ساخته شدند. همین ساختمان ها را در جنوب هند عاشور خانه می نامیدند. از امامباره ها به عنوان آرامگاه بزرگان نیز استفاده می شد. اشراف و بزرگان زیادی امامباره های متعددی در اوده ساختند که به آرامگاه خانوادگی آنان بدل شد. امامباره دارای ضریحی بود که از ضریح امام حسین الگو برداری شده بود، همچنین تابوتی نمادین نیز وجود داشت که شیعیان هند آن را تعزیه می نامیدند. امامباره ای که آصف الدوله در لکنهوا ساخت بزرگترین و با شکوهترین محل های عزاداری بود. برای ساخت آن، دربار آصف الدوله معماران زیادی را به دادن طرح اولیه تشویق نمود که در نهایت طرح معماری از دهلی، به نام کفایت اله خان، مورد پسند قرار گرفت. خواست دربار بر این بود که امامباره شبیه به تاج محل که عمارتی ایرانی بود باشد، ولی از آنجا که امپراطور مغول و نوابش، کنترل راجستان را از دست داده بودند و نمی توانستند از سنگ مرمر سفید آنجا استفاده کنند، کفایت اله خان با استفاده از معماری بومی هند، در بدنه و نمای ساختمان، از آجر های خشتی و سنگ کمک گرفت که در استحکام آن بسیار مفید بوده است. هزینه ساخت این بنا بیش از یک میلیون روپیه تخمین زده شده است و دارای تزیینات داخلی بسیار گرانبهائی می باشد. به تقلید از حرم امام حسین (ع) در کربلا طلا و نقره زیادی در تزیینات داخلی به کار رفته است. امامباره دارای چهلچراغ های بزرگی بود که نذر آنجا شده بود. این وسایل و تزیینات تقریباً جایی برای نشستن در صحن اصلی باقی نگذاشته است. در ایام محرم داخل امامباره با شمع های بسیار زیادی روشن می شد. و همه گروهها از شیعیان و شیوخ گرفته تا هندوان در مراسم شرکت می کردند.

3

در باریان آصف الدوله و برجستگان طبقه بالای جامعه به تقلید از این عمارت امامباره های متعددی در نواحی مختلف ساختند و به تدریج مساجد نیز در مجاورت امامباره ها ساخته شد. حسن رضاخان وزیر، یک امامباره و یک مسجد در کنار هم ساخت که در مسجد نماز جمعه برگزار می شد و بعد از ساختن مسجد بزرگ در کنار امامباره آصفی، برگزاری نماز جمعه به آنجا منتقل گردید. بسیاری از اشراف شیعی لکنهوا نظیر آفرین علی خان، تحسین علی خان، رمضان علی خان، تجمل حسین خان در لکنهوا امامباره ساختند. بسیاری از سنی ها و هندو ها نیز شروع به ساخت این مراکز نمودند در جلال پور امامباره ای ساخته شد که بافندگان این شهر هزینه آن را با کنار نهادن یک پیسه از درآمد هر قطعه پارچه پرداختند. در اوایل قرن ۱۸ میلادی حدود ۲۰۰۰ امامباره بزرگ و ۶۰۰۰ تعزیه خانه کوچک در لکنهوا ساخته شده بود. (Cole, 1988, هالیستر، ۱۳۱۳)

دلدار علی نصیر آبادی، عالم بزرگ شیعی امامباره ای در سال ۱۷۹۰ میلادی ساخت که به یک مرکز فرهنگی تبدیل شد. امامباره این عالم بزرگ در لکنهوا به غفران مآب معروف است و مقبره بسیاری از علما در آن قرار دارد. (india.office of registrar general, 1974)

برای نخبگان و اشراف جامعه ساختن امامباره کارکرد های گوناگونی داشت. این مکان جایی برای سوگواری بود و همچنین به عنوان مقبره خانوادگی استفاده می شد. بعضی از امامباره ها دارای مراکز ادبی و کتابخانه بودند و به عنوان یادبودی از شخص سازنده باقی می ماند و تولیت آن بعد از مرگ به فرزندان اختصاص پیدا می کرد. در داخل امامباره ها فرش های کتان زمین را پوشش می داد و دیوارها را آینه کاری می کردند تا نور شمع ها را چند برابر کند. اشراف و بزرگان در اندازه



امامباره و تزیینات داخلی آن معمولا با هم رقابت داشتند و شکوه امامباره نشان دهنده میزان ثروت و قدرت بانی آن بود. در داخل و در یک طرف، ضریح امام حسین (ع) در کربلا شبیه سازی شده بود و در طرف دیگر منبری از چوب با تزیینات نقره، عاج و آبنوس قرار می دادند. ضریح با پرچم هایی با مضامین شیعی قلابدوزی شده، با حاشیه هایی گل دوزی شده از جنس ابریشم و طلا و نقره تزیین می شد. علم های کوچکی با علامت پنج انگشت نماد پنج تن در بالای ضریح نصب می شد. در داخل ضریح وسایلی می گذاشتند که احتمال می دادند امام در روز عاشورا همراه داشته است. مانند سپر، شمشیر، کمر بند، عمامه و نیزه. خود ضریح از چوب یا نقره و بامبو، بسته به ثروت سازنده آن، ساخته می شد. انواع مختلف ضریح در لکنهو، دهلی، حیدر آباد و کلکته وجود داشت. (cole, 1988، هالیستر، ۱۳۷۳)

ساختن امامباره ها به عنوان یک محل ملاقات و دیدار برای شیعیان از طیف های مختلف اجتماع کارکردی حائز اهمیت داشت. جامعه شیعی که قبل از این دوره در محیطی بیگانه با اکثریت هندو و سنی در انزوا و پراکنده و کم حرف بود، می توانست در عموم نمود بارزی پیدا کند. این مکان ها به عنوان مراکز شیعی جاذب گروه های مختلف اجتماعی بود و بسیاری از سنی ها و هندو ها را متمایل به شیعه کرد. شاعران مرثیه سرا جذب امامباره ها شده بودند و وجود آنان با فرهنگ این مکان گره خورده بود. در عزاداری ها خواندن مرثیه همراه با سینه زنی جزئی از پر طرفدارترین مراسم به شمار می رفت. اشعار به صورت حماسی خوانده می شد و دارای مضمون ادبی جهت یاد آوری ایام محرم و عاشورا بود و با سینه زنی عزاداران همراه می شد. (cole, 1988)

4

در زمان نواب آصف الدوله، شخصی به نام میرزا فقیر بیگ شیئی از کربلا به همراه آورد و مدعی بود که طبق خوابی که دیده است، این شی تاجی بوده است که بر بالای علم حضرت عباس در روز عاشورا نصب کرده بودند. او تاج را در منزل خود در «رستمگر» می گذارد و این مکان بعد ها زیارتگاه حضرت عباس (ع) نام می گیرد. (india.office of registrar general, 1974)

در ابتدا این بنا از یک چهار دیواری تشکیل شده بود و یک سقف بدون زینت و یک حیاط کوچک داشت. این مکان مورد توجه آصف الدوله، نواب آوده قرار می گیرد و گنبدی بر روی خانه درویش بنا می کند. (هالیستر، ۱۹۵۰) مردم برای گرفتن حاجت به این مکان می آمدند و نذورات خود را تقدیم می کردند. این مکان باعث رونق شهر رستمگر شد و بازار دادوستد در مقابل آن شکل گرفت. در سال ۱۸۰۱ میلادی، سعادت علی خان ششمین نواب آوده، بیمار می شود و نذر می کند در صورت بهبودی ساختمانی جدید برای این مکان احداث کند. او بهبودی حاصل می کند و در سال ۱۸۰۳ میلادی هیئتی با شکوه تدارک می بیند و در راه رستمگر نذورات زیادی به فقرا می دهد و در زیارتگاه نماز شکر به جای می آورد. نواب سپس دستور ساخت عمارتی جدید با گنبد طلا را داد و صندوقی برای تامین مخارج زیارتگاه قرار داد و نگهبانانی در آنجا جای گرفتند. پس از آن در ماه محرم نذورات بسیاری به آنجا آورده می شد و مراسم با شکوهی در آنجا برگزار می گردید. پس از مرگ میرزا فقیر بیگ، پسرش به عنوان تولیت حرم، مقدار زیادی از پول و لباس پیشکشی به زیارتگاه را، بین فقرا تقسیم کرد. بعد ها این زیارتگاه با برگزاری مراسم عاشورا در لکنهو ادغام گردید و همه ساله دستجات از لکنهو به طرف آنجا حرکت می کردند. این مکان به درگاه حضرت عباس (ع) معروف است. (cole, 1988)

به تدریج در طول دوران حکومت نیشابوری ها در آوده مکانهایی برای زیارت ساخته شد که «کربلا» نامیده می شود و دارای ضریحی بود که از حرم امام حسین (ع) و یا سایر ائمه معصومین الگو برداری شده بود. در حقیقت کربلا ها نشانه علاقه خالصانه مردم شمال هند به خاندان پیامبر و تجلی عشق شیعیانی بود که فاصله زیادی با کانون های تشیع داشتند و نمی توانستند به آسانی شهر های مذهبی شیعیان را زیارت کنند.



معروفترین این مکانها کربلای «تالکاتورا»^۱، بزرگترین کربلای لکنهو می باشد. در این کربلا، درگاه امام حسین (ع) قرار دارد و دارای قتلگاه و مسجد است. کربلای کاظمین از دیگر مکان های زیارتی است که در ناحیه سعادت گنج لکنهو، توسط وزیر هندوی سعادت علی خان نواب آوده، ساخته شده است. این کربلا دارای مسجد و ضریح است. کربلای ماهانگر متعلق به سنیان آوده است. در لکنهو و در ناحیه نشاط گنج، در محرم بسیاری از اهل سنت و هندوها برای زیارت به این مکان می آیند. از دیگر کربلاهای معروف لکنهو، ملک آفاق است که به نام مادر نواب آوده می باشد و کربلایی شیعی است. درگاه ها در داخل کربلا ها جای می گیرند و معمولاً به نام امام حسین (ع) نام گذاری می شوند. (india.office of registrar general, 1974)

برگزاری مراسم محرم

دولت آوده بر اساس اهداف استقلال طلبانه و ایجاد هویت اجتماعی متمایز از جهان تسنن اهتمام ویژه ای به مراسمات و آیین های عاشورایی داشت. شکل و چهره این آیین ها تا حدودی متمایز از مراکز عمده شیعی در ایران و عراق و مختص به این منطقه بود. دو گونه عزاداری ایام محرم در آوده انجام می گرفت، برگزاری مجلس، که مردم پای منابر می نشستند و سخنرانی و روضه گوش می دادند این مجالس معمولاً در امامبارها برگزار می شد و گونه دیگر عبارت بود از به راه انداختن دستجات عزاداری، همراه با سینه زنی که در خیابان ها صورت می پذیرفت. دسته به راه انداختن قدمتی طولانی داشت و به حکومت شیعی آل بویه نسبت داده می شود و در دوران صفویه گسترش پیدا کرده و شکل تر شده است. در آوده ده روز قبل از فرا رسیدن ماه محرم، تعدادی از داوطلبین گرد هم جمع می شدند که به نام انجمن معروف شده بودند. آنها مسئولیت سازماندهی فعالیت های سوگواری را در امام باره ها و در گاه ها بر عهده می گرفتند. معروفترین انجمن های تشکیل شده در لکنهو در این زمان «انجمن سوگواران حسین»، «انجمن قمر بنی هاشم»، «انجمن علمدار حیدری» و «انجمن شورای حسینی» بودند. (india.office of registrar general, 1974)

از اول محرم، هر روز دو بار عزاداری در امامبارها انجام می گرفت: عزاداری روزانه و عزاداری شبانه زیر نور خیره کننده چراغ ها شمع هاو آیینها. در مجالس، میزبان که از طبقه اشراف بود با نزدیکانش، نزدیک ضریح روی فرش و بقیه افراد در هر کجا که می یافتند، می نشستند. معمولاً روضه خوانی اشعار فارسی را با سوز و ناله می خواند و مصایب امام در مقابل امویان را بازگو می کرد. روضه خوانی را افراد کم سواد نیز انجام می دادند. حتی در بین هندو ها نیز نوحه خوانی انجام می گرفت. شاعران و نوحه خوانان هندو منتظر ماه محرم می شدند، نوحه می نوشتند و می خواندند به طور مثال آقای نگم که در منطقه نخاس لکنهو زندگی می کرد، خود مرثیه می نوشت و با صدای حزن انگیز می خواند. آقای پرساد از منطقه چوپتیه لکنهو، با صدای بلند مرثیه می خواند و مردم را به گریه وا می داشت. (کربلایی، ۱۳۹۴، هالیستر، ۱۳۷۳)

علمای متخصص، با استناد به متون عربی و احادیث سخنرانی می کردند. در طول مجلس پس از خواندن متنی فارسی به نام «ده مجلس» خدمتکاران به توزیع آب و خوراک می پرداختند و بزرگان در طی مجلس قلیان می کشیدند. پس از رفع خستگی مرثیه خوانی به زبان اردو آغاز می شد و افراد بی سواد هم این بخش از عزاداری را متوجه می شدند و محبوبترین قسمت مجلس بود. اشعار موزون به سبک های مختلف خوانده می شد حتی در برخی دوره ها اشعار به همراه موسیقی اجرا می شد. شخصی به نام «حیدر» در زمان نواب آصف الدوله، که مداحی بزرگ بود، ابداع کننده سبکی بود که بسیار محبوب شد. این روش به حیدری خوانی معروف گردید. زنان نیز در عموم مداحی می کردند. گفته شده است که در زمان قاضی الدین حیدر یکی از نواب آوده (۱۸۱۴-۱۸۲۷ میلادی) مردم از سرتاسر آوده برای شنیدن صدای زنی که حیدری می خواند به لکنهو می آمدند

¹Talkatora



ولی علمای تشیع معمولاً چنین مجالس مختلط را مانع می‌شدند. پس از خواندن مرثیه جماعت بلند می‌شدند و به امامان سلام می‌فرستادند و خلفای غاصب را لعنت می‌کردند. عزاداری با سینه زدن ادامه پیدا می‌کرد و حتی در طی آن به سینه خود آسیب می‌رساندند که علما آن را محکوم کرده بودند. (Cole, 1988)

برخی زنان ثروتمند و اشراف امامباره داشتند و بعضی نیز بهترین اتاقهای خانه را به مجالس عزاداری اختصاص می‌دادند. در حیدرآباد زنان هم مانند مردان سینه می‌زدند. در طول ماه محرم زنان شیعه در آوده، از آرایش کردن، پوشیدن لباس قرمز و استفاده از طلا و جواهر پرهیز می‌کردند. بعضی زنان باسواد سید به مرثیه سرایی به زبان فارسی در مجالس می‌پرداختند. این دختران عموماً از خانواده‌های بی بضاعت بودند که توانایی تهیه جهیزیه برای جلب نظر خانواده سادات را نداشتند و حاضر نبودند به خانواده‌ای بدون منزلت اجتماعی دختر بدهند. آنان معمولاً به عنوان معلم قرآن، خدمت می‌کردند و در ایام محرم ده مجلس به زبان فارسی می‌خواندند و مرثیه‌هایی به زبان اردو. (Cole, 1988، هالیستر، ۱۳۷۳)

مراسمات سوگواری در ماه محرم و سایر روزهایی که در تقویم شیعی به عنوان روزهای عزا شناخته می‌شود، احساس یگانگی و وحدت را به جامعه رنگارنگ آوده می‌بخشید. افراد و گروه‌ها از هر طیف و طبقه، با عقاید متنوع، در ایامی خاص، با یکدیگر دیدار می‌کردند و از مجلسی به مجلسی دیگر می‌رفتند و کاری واحد انجام می‌دادند. عزاداری ماه محرم زمینه‌های همبستگی اجتماعی جامعه آوده را فراهم کرده بود. جامعه‌ای که سالها تحت سیطره حکومت ضعیف شده گورکانیان، با فقدان هویت اجتماعی مشخص زیسته بود.

6

در لکنه پایتخت آوده روز اول و دوم محرم روز دیدار با خویشاوندان است. روز سوم خیمه برپا کردن به یاد دشت کربلا است و رفتن امام به کنار رودخانه. روز چهارم و پنجم ذکر مصایب یاران امام است و روز ششم از دلآوری و علی اکبر سخن گفته می‌شود. روز هفتم قهرمانی‌های قاسم و روزهای هشتم و نهم شجاعت و نبرد حضرت عباس (ع) و روز دهم به شهادت امام (ع) حسین پرداخته می‌شود. (هالیستر، ۱۳۷۳)

مجالسی که در امامباره‌ها و یا خانه‌ها برگزار می‌شد غالباً شرکت کنندگانش، خویشاوندان و دوستان نزدیک بودند و عمومیت کمتری نسبت به دستجات عزاداری در خیابان‌ها داشت. دسته‌ها در خیابان‌ها به همراه تمام اقشار و گروه‌ها حرکت می‌کردند. با گسترش این دستجات تشیع به عنوان مذهب در آوده نمود بارز تری یافته بود. به زودی آیین پنهان سیدهای منصب دار شهری، به عنوان مذهب رسمی درباری در مراکزمانند لکنه و فیض آباد شکوفا شد.

در توصیف عزاداری‌ها باید گفت که در اواخر ماه ذی‌الحجه، مردم طبقه متوسط ضریحی که از بامبو ساخته شده بود را از بازار به خانه می‌آوردند. طبقه اشراف برای خود امامباره و یا یک اتاق ثابت برای این منظور داشتند و در این ایام آن را آماده می‌کردند. روز اول محرم مغازه‌ها تعطیل می‌شد و مردم در خانه‌ها عزاداری می‌کردند. در دوم از امامباره‌ها دیدن می‌کردند. از دیدگاه یک شیعه در شمال هند، زیارت امامباره یک تعهد و تکلیف بود که به جای سفر پر خرج و سخت کربلا صورت می‌گرفت. (Cole, 1988) از این روز کوچه‌ها مملو از جمعیت می‌شد. اکثر مردم پیاده حرکت می‌کردند ولی متمولین و برجستگان گاهی داخل کجاوه ضریح را زیارت می‌کردند. در سومین روز ماه محرم، زنان شیرینی جات می‌پختند و به خانه اقوام و نزدیکان و فقرا می‌فرستادند و این رسم را در روز هفتم و چهلم شهادت امام نیز تکرار می‌کردند. روز پنجم ماه محرم در لکنه دستجات عزاداری را به خارج شهر تا رستم‌نگر که جزیی از مراسم عزاداری در پایتخت شده بود، حرکت می‌دادند. یکی از اشراف مسئولیت این سفر را بر عهده می‌گرفت. در ابتدای دسته یک گروه سرباز در اطراف یک فیل حرکت می‌کردند و در پشت سر آنها گروه موسیقی حرکت می‌کرد. شخصی با یک علم که دو شمشیر از اطرافش مثل کمان آویخته شده بود، از پس آنها می‌آمد و بیرق داران، مرثیه خوانان و بزرگان بعد از او می‌آمدند. مرثیه‌ها از مصیبت‌های حضرت عباس (ع) خوانده می‌شد و



اسبی عربی و سفید، به نشانه اسب امام حسین (ع) که جای جای بدنش را با رنگ قرمز رنگ زده بودند و روی زین بی سوارش یک عمامه گذاشته بودند، از پشت سر آنها حرکت می کرد. خدمت کاران، زنان و سربازان عقب تر از همه بودند. و هزاران نفر عزادار نیز با پرچم هاپشت سر آنان حرکت می نمودند و حیاط زیارتگاه مملو از جمعیت می شد. (india.office of registrar) (general, 1974)

روز بزرگ بعدی، هفتمین روز محرم و روز عروسی قاسم (ع)، برادر زاده امام، در میدان جنگ بود. مراسم تابوت قاسم، آیینی است که مخصوص این منطقه می باشد. معروفترین مکان برای برگزاری مراسم تابوت قاسم، امامباره غفران مآب در لکنهو بود. در طی مراسم، تابوت نمادین حضرت قاسم با عزاداران حرکت داده می شد. عزاداران آوده این مراسم را به صورت مختلف برگزار می کردند. اشراف و بزرگان دستجات را به سوی امامباره هدایت می کردند و در امامباره جایگاهی برای قاسم (ع) درست کرده بودند. در پایان مراسم اشراف در بین فقرا پول توزیع می کردند، مانند یک جشن عروسی مرسوم در منطقه. طبقات متوسط این بخش از عزاداری را در خانه برگزار می کردند. در سایر مناطق مانند حیدر آباد شخصی نقش قاسم را در امامباره ایفا می کند. در جهان شهر، روز هفتم محرم، اسبی چوبی ساخته می شد، سمبل اسب امام، و آن را رنگ آمیزی و با طلا و جواهرات تزیین می کردند.

اوج عزاداری در روز دهم محرم بود. و مردم از صبح عاشورا برای شرکت در دستجات خود را محیا می کردند. زنان در نور شمع ها قبل از طلوع آفتاب دخیل می بستند و مردم برای مراسم نمادین تدفین امام، در حومه شهر حاضر می شدند. برخلاف ایران صفوی که مردم عادی در دستجات شرکت می کردند و ثروتمندان شرکت در مجالس را دوست داشتند، در آوده اشراف و برجستگان نیز در دستجات خیابانی شرکت می کردند. دسته ها با فیل ها، بیریقه‌ها، چترهای بزرگ و رژه نظامی همراه با بخور و اغلب مردم پابرنه و سر برهنه به راه می افتادند. سپس به سوی امام زاده ها حرکت می کردند و اشراف برای برکت در بین فقرا پول پخش می کردند. طبقه متوسط که توان رقابت با بزرگان را نداشتند، با خلوص نیت سینه می زدند. هزاران نفر به صورت خود جوش و با سازماندهی مناسب در خیابان ها حرکت می کردند، که باعث شگفتی سیاحان غربی می شد. (cole, 1988). هالیستر، ۱۳۷۳)

مراسم تدفین قبل از غروب آفتاب در امامباره ها و زیارتگاه ها برگزار می شد. این مراسم در شهرهای مختلف منطقه با حضور هزاران نفر انجام می پذیرفت. در راه بازگشت مردم به خانه متمولین می رفتند، برای غذا و بین فقرا پول و لباس توزیع می شد. به سادات تنگ دست اسب و لباس های گران قیمت اعطا می شد. سه روز پس از عاشورا مردان ریش های خود را می زدند و شروع به جویدن برگ تنبول می کردند که در ایام عزاداری از آن امتناع کرده بودند. (indiaoffice of registrar) (general, 1974) زنان لباس عزا را از تن به در می کردند و شروع به استفاده از طلا جواهرات می کردند. فقط افراد بسیار مؤمن سوگواری را تا چهل روز پس از شهادت امام ادامه می دادند.

علمای شیعه نگرشی انتقادی به بعضی از اعمال و سبک های عزاداری داشتند و آنان را بدعت می دانستند. آقا احمد بهبهانی، عالم مهاجر ایرانی تلاش های بسیار جهت پایان دادن به قمه زنی و آسیب زدن به خود در حین عزاداری میان طبقه اشراف فیض آباد نمود. در این باره وی که طی یک مسافرت در زمان نواب سعادت علی از عاشورای لکنهو دیدن کرده است می نویسد: «در آن حدود رسم بود که در وقت سینه زدن دهل و نی می نواختند، من منع کردم در حضور مقدسه و اغلب بزرگان دیندار، موقوف گردید (بهبهانی، ۱/۵۸۴) دلدار علی نصیر آبادی عالم بزرگ شیعی استفاده از بعضی آلات موسیقی و شتر را در مراسم جایز شمرده بود و بعد از آن شترهای سفید و سیاه به نصیرآباد در عزاداری ها آورده شد. برخی علما مانند سید محمد مقدور زنجیر زنی را به نحوی که فرد را از خود بی خود کند جایز نمی شمردند و برخی دیگر آن را رسیدن به یک نوع



اتحاد اجتماعی و تشویق گروه‌های مختلف برای مشارکت در آیین‌ها می‌دانستند. مولوی ابوالحسن کشمیری استفاده از طبل را در عزاداری مجاز می‌دانست. (cole, 1988)

از دیگر مراسمات ویژه محرم در آوده می‌توان به آیین راه رفتن روی آتش اشاره کرد. این مراسم در ششمین روز محرم در امامباره آصف الدوله (امامباره بزرگ) برگزار می‌شد و تا امروز توسط انجمن سوگواران حسینی ادامه پیدا کرده است. برای این منظور صبح در گودالی به طول تقریباً ۶ متر و عرض ۱/۵ متر، هیزم سوزانده می‌شود و تا بعد از ظهر به زغال سرخ تبدیل می‌شود. عزاداران در این هنگام علم به دست و «یا حسین» گویان از روی آن عبور می‌کنند. ابوالحسنی مراسم را اینگونه توصیف می‌کند: در میان عزادارانی که به عنوان عزای سالار شهیدان و همدردی با اهل بیت داغدار وی داخل گودال آتش می‌شوند، افراد گوناگون با سنین مختلف، از کودکان ۷-۸ ساله گرفته تا پیرمردان ۶۰-۷۰ ساله به چشم می‌خورند، و جالب آن است که عزاداران مزبور با پای کاملاً برهنه و بدون کفش و جوراب، وارد آتش می‌شوند و طول تقریباً شش متر آرام آرام بر روی گلهای بسیار داغ آتش می‌پیمایند ولی آتش هیچگونه صدمه‌ای به پایشان نمی‌زند. (ابوالحسنی، ۱۳۳۵: ۱۱) چراغانی کردن نیز از مراسماتی است که توسط نوابین به آیین‌های عاشورایی اضافه شده است. شمع‌ها و چراغهای بسیاری در امامباره‌ها و خیابان‌ها در هشتم و نهم محرم افروخته می‌شود. امامباره آصف الدوله و شاه نجف در لکنه‌ها این مراسم را باشکوه انجام می‌دهند. (india.office of registrar general, 1974)

افراشتن علم امام حسین (ع) که نشانه پیروزی سیدالشهدا بر باطل در آوده است، از دیگر مراسمات ایام محرم است. در منطقه اولین کسی که علم حسینی را برای تبرک برافراشت، شاه اشرف جهانگیر سمنانی بود. او زیر علم اقامت اختیار کرد و به پیروان خود دستور داده بود، به رسم سبزوار، علم و زنبیل درست کنند. او جمعی از افراد و سادات متقی را به اطراف و اکناف آوده می‌فرستاد. افراشتن علم حضرت عباس در آوده در مسجد ببری مرسوم شد. مسئول برگزاری این مراسم، یکی از سرداران مغول به نام سردار «دهرم سنگه» بود. او بنا به خواهش کمال شاه، درویش بزرگ، با هندوان مقتدر آن سرزمین صحبت کرد و بارضایت آن‌ها در روز عاشورا این علم افراشته شد. در اولین سال مردم آوده در مراسم شرکت کردند. در سال بعد نواب شجاع الدوله نیز همراه مادرش، صدر جهان بیگم، به دیدن علم آمد. نواب بیگم از شأن و شکوه این علم مبارک متحول گشت و در احترام و تکریم آن حدوداً دویست هزار روپیه نذر تقدیم کرد. اما وقتی کمال شاه درویش در گذشت افراشتن این علم نیز متوقف شد. (کربلایی ۱۳۹۴)

آنچه که در ایران به عنوان تعزیه اجرا می‌شد و حکایت عاشورا را به صورت نمایش جلوه می‌داد، در آوده و در دوره مورد نظر ما توسعه نیافت. مراسمی که می‌توان از آن با عنوان نمایش وقایع محرم در آوده یاد کرد، برگرفته از سبک‌های محلی بود و درباره کریشنای هندویان اجرا می‌شد. شیعیان با استفاده از نقاشی‌ها، پس زمینه‌ها و پرده‌های شبیه به آن، حوادث عاشورا را روایت می‌کردند. شام غریبان یکی از مراسم باشکوه در آوده و به تقلید از ایرانیان می‌باشد که به سبک و سیاق عزاداران ایرانی در غروب عاشورا انجام می‌پذیرد. مجلس تاریک می‌شود و شمعهای بسیاری روشن می‌گردد، نوحه خوانده می‌شود و عزاداران برای خانواده امام حسین (ع) گریه سر می‌دهند. نوع دیگر مراسم که مخصوص این منطقه بوده، فقا شکنی یا شکستن روزه است که در بعد از ظهر روز عاشورا در بسیاری از امامباره‌ها انجام می‌شود و معروفترین مکان در انجام چنین مراسمی، امامباره غفران مآب لکنه‌ها است. در طول مراسم غذا‌های مختلف بین عزاداران توزیع می‌شود. (cole, 1988)

آوده دارای جمعیت سنتی فراوانی بود که در آیین‌های مخصوص تشیع را برپا می‌کردند. به گفته هالیستر شمار کثیری از سنیان در مراسم شرکت می‌کنند و تعداد هندوان از آنان نیز بیشتر است. مراسمات و وقایع کربلا برای هندوان جاذبه

² Faqa shekani



دارد و آنان را متأثر می‌کند (هالیستر، ۱۳۷۴) سنیان دارای امامباره مخصوص بودند و یا در مکان‌های مختص به شیعیان سوگواری ماه محرم را انجام می‌دادند. یکی از مراسم منحصر به فرد آنان «بیان» نام داشت. طی این مراسم که در ده روز ماه محرم برپا بود، علمای اهل سنت وقایع عاشورا را بازگو می‌کردند و از امامان شیعه و همچنین رهبران مذهبی اهل سنت، ابوبکر، عمر و عثمان روایت‌های تاریخی و دینی بیان می‌نمودند (india.office of registrar general, 1974)

حتی بین کاستهای اصیل هندو (کایستا، اگروالا، وراجپوت) مردان و زنان نذر می‌کردند که اگر صاحب فرزند پسر شوند، او را چندسال - معمولاً سه تا پنج و گاه تمام عمر - به عنوان «پیک» به چاکری عزاداران محرم بفرستند. در این روزها آنها نمک و لحوم نمی‌خوردند و از تجملات پرهیز می‌کردند. بیک‌ها زنگهای کوچکی دور کمر خود می‌بستند و عمامت کوچکی مخروطی شکل بر سر می‌نهادند و در حالی که دم گاوی با خود داشتند، به عنوان پیک بین عزاداران رفت و آمد می‌کردند، همه از زیر تعزیه‌ها رد می‌شدند و با درمسیر تعزیه‌ها خود را جلوی آن می‌افکندند. (ابوالحسنی، ۱۳۳۴، هالیستر، ۱۳۷۳)

ساختن امامباره‌ها و سازه‌های مذهبی باعث جذب کارگران و معماران به شهرهای بزرگ شد. برجستگان و نخبگان منطقه که تحت محاصره کمپانی هند شرقی بودند، امکان نمایش ثروت و قدرت خود را با گسترش اراضی نداشتند و رو به سوی بنا کردن امامباره و اماکن مذهبی آورده بودند. صنایع جدیدی مانند ساخت ضریح و قبور و ادواتی که در سوگواری استفاده می‌شد و دوخت پرچم و لباس عزا به بازار آمده راه پیدا کرد و بسیاری از هنرمندان و صنعتگران رو به این صنعت جدید آوردند. نواب آورده در احیای مراسم عزاداری از حکام و سردمداران دکن پیشی گرفتند. حاکمان شیعی دکن قبل از روی کار آمدن مغول و پس از آن در این حوزه اهتمام ورزیدند، ولی نواب و شاهان آورده فرهنگ عزاداری را طوری رواج دادند که جزیی جدانشدنی از فرهنگ و اندیشه مردم شمال هند شد. آن‌ها اگرچه بعضی از رسومات هندی را به این مراسم آمیختند و در روایت بعضی از وقایع به حقایق تاریخی توجهی نشان ندادند، ولی با استفاده از ترویج این فرهنگ، تشیع را در میان مسلمانان و هندوان منطقه گسترش دادند.

در این میان نگرش نوابان آورده در ترویج و توسعه چنین مراسمات مهم‌ترین عامل بود. در زمان برهان الملک بنیانگذار دولت آورده، با دیدن حلال ماه محرم نواب و خانواده اش لباس سیاه می‌پوشیدند و تمام زیور آلات را از خود دور می‌کردند، از هفتم ماه محرم تعطیل عمومی اعلام می‌شد. شجاع الدوله دومین نواب به عزاداری بسیار اهمیت می‌داد و در ایام عزا، جنگ را متوقف می‌کرد و در اردوگاه نیز عزاداری برپا می‌کرد. نواب آصف الدوله نیز بسیار سخاوتمند بود و در ایام محرم بعد از دفن تعزیه‌ها، لباس عزا به تن می‌کرد و مبالغ زیادی بین فقرا و سادات توزیع می‌نمود. به سبب علاقه نواب آصف الدوله به مرثیه، این نوع عزاداری در آورده به اوج خود رسید. نواب سعادت خان نیز مانند برادر خود آصف الدوله اهتمام خاصی به مراسم‌های بزرگداشت مقام ائمه معصومین داشت. در آورده در این دوره در تمام سال مراسم نذر و نیاز، مجالس عزاداری و در روزهای ولادت ائمه اطهار (ع) محافل متعدد برپا می‌شد و مردم هر فرقه و طبقه در آن شرکت می‌کردند. سعادت علی با احترام و عقیدت تمام در درگاه حضرت عباس (ع) به هر پنجشنبه رسم «حاضری» را بنیان گذاشت. در زمان وی، روزهای عزا به قدری با شکوه جلوه داشت که از حیطة بیان بیرون می‌باشد. در هر خانه تعزیه داری (حرکت دادن تابوت نمادین امام) برپا می‌شد و از هر خانه علم حضرت عباس (ع) افراشته، به درگاه حضرت عباس (ع) برده می‌شد. از تاریخ هفتم ماه محرم تمام کارهای دولتی متوقف می‌شد و تمام اعضا و مقامات سلطنتی تا روز دهم ماه محرم همراه نواب، غم‌شده‌ای کربلا را گرامی می‌داشتند. غازی الدین حیدر نیز روضه امام علی (ع) در لکنهو را به نام «شاه نجف» بنیان نهاد و موقوفه‌ای نیز به آن اختصاص داد. نصیر الدین حیدر، جانشین غازی الدین، نیز پیرو نذر خویش در جوانی، چهل روز محرم را عزاداری می‌کرد و در این مدت فقط با بستگان و خدمتکاران ذکور خود مرآورده داشت، باده نمی‌نوشید، ضیافت شام نمی‌داد و از تجملات مورد علاقه اش دوری می‌کرد. واجد



علی شاه در ایام محرم لباس سبز می پوشید و خود مرثیه خوانی می کرد. (کربلایی، ۱۳۹۴) در سایه حمایت سادات نیشابوری آیین ها و مراسمات سوگواری محرم رشد و گسترش بسیار چشمگیری داشت. با گسترش این آیین های عمومی بسیاری از افراد به این جرگه وارد شدند. بسیاری از هندو ها و سنی ها در مراسم عزاداری امام حسین (ع) شرکت کردند. این مراسم پر جمعیت شیعی باعث پویایی فرهنگی و ورود مفاهیم جدید و هنجارهای نو در جامعه کهن شمال هند شد. مراسمات و تشریفات عزاداری به مرور زمان هم گسترده تر شد و هم شکل آن تغییر پیدا کرد. زیارتگاه ها توسعه پیدا کرد، امامباره ها ساخته شد و طبقه ای از مؤمنین غیر روحانی در اجتماع ظهور پیدا کردند. این عزاداری ها مشارکت گسترده شهرنشینان از طیف های مختلف طبقاتی را در پی داشت و به تدریج به سمت شهر های کوچک و قصبه ها اشاعه پیدا کرد. بدین ترتیب امام حسین به عنوان چهره مذهبی محبوب بین تمام اقشار جامعه تبدیل شد.

نتیجه

جامعه آوده از ادیان، اندیشه ها و فرهنگ های مختلف و غیر متقارن تشکیل شده بود. علاوه بر روح سازش و مدارا در فرهنگ هندوستان، این فرهنگ ها و مذاهب فاصله ی بسیار زیاد از یکدیگر داشتند و وجه اختلاف آنان چشمگیر بود. در این میان فرهنگی می توانست این اندیشه های متمایز را حول یک محور سیاسی و جغرافیایی گرد آورد که دارای شاخصه هایی کارآمد باشد. به گفته دونالدسون محرم وجه امتیاز شیعه است و از همه شعایر آن معروفتر است (هالیستر، ۱۷۷۳) این فرهنگ قدرت این را داشت که با جذب طیف های مختلف اجتماعی، خالق وحدت و یگانگی در جامعه ناهمگون آوده باشد. ساختن امامباره های باشکوه به صورت گسترده جاذب گروه های مختلف از دیگر مناطق بود. گروه هایی که عمدتاً از اقشار پایین جامعه بودند. آنان با هر مذهب و قومیتی میل خود را در هماهنگ کردن خود با مذهب اربابان جدید بروز دادند. گرایش به تشیع به طبقات پایین جامعه محدود نشد. طبقه نخبه و اشراف نیز به دلیل کارکرد های مختلف به ساختن امامباره ها روی آوردند و در عزاداری ها حضوری پر رنگ داشتند البته که نزدیک شدن به طبقه حاکم و بهره مندی از منافع حاصل از آن نیز مد نظر طبقات بالای جامعه بوده است. این اماکن محل تجمع و تمرکز و برگزاری شعائر تشیع بود و نقش کانون نمایش و نمود مذهب حاکمان را بر عهده داشت. عزاداری محرم در مقیاس بسیار بزرگ انجام می پذیرفت و حرکتی توده ای بود. در طی این جنبش ایده ها و نظرات مذهب تشیع انتشار می یافت و به عنوان دین رسمی، سبب دل بستگی و تمایل انبوهی از مردم منطقه به تشیع می شد. در این میان علمای متخصص شیعی نیز با ارائه هیئتی قائده مند از مناسک محرم خود را در این عرصه به عنوان مرجع اصلاحگر و نظر دهنده شناساندند. به دعوت حاکمان پاسخ مثبت دادند. شاهان آوده در این حوزه، متمایز از تمام حکومت های شیعی گذشته عمل کردند و در جامعه هند فرهنگی را از خود به یادگار گذاشتند که باعث اشاعه فرهنگ تشیع شد. در واقع می توان گفت برگزاری مراسم محرم با نشر تشیع گسترش یافت و از سویی دیگر سبب ساز گسترش تشیع شد. به این ترتیب نوابان آوده قدم بزرگی در مسیر استقلال از گورکانیان برداشتند و سیمایی متمایز از گورکانیان که اهل تسنن بودند برای جامعه تحت حکومت خود ترسیم نمودند و علاوه بر آن خود را به عنوان نمایندگان مذهب تشیع شناساندند، مشابه آنچه که در مورد صفویان در تاریخ ایران سراغ داریم. این اقدام مهمترین عمل این حاکمان در مسیر گسترش تشیع در شمال هندوستان بود و بی شک بدون توجه و اهتمام و حمایت های مالی آنان جلوه ها و اندیشه های تشیع اینچنین در شمال هند گسترش و توسعه نمی یافت.

منابع



- بهبهانی، احمدبن محمدعلی، مرآت الاحوال جهان نما، مقدمه و تصحیح و حواشی علی دوانی، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۲
- ابوالحسنی، علی (منذر)، روح هند در التهاب عاشورا، تهران، ۱۳۳۴
- رضوی، سید عباس اطهر، شیعه در هند، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶
- عزیز، احمد تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی، محمد جعفر یا حقی، تهران، موسسه کیهان، ۱۳۶۶
- کربلایی، اشرف علی، حکومت شیعی سادات نیشابور در شمال هند، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۴
- هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه ی آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳
- علی جعفری، سید حسین، تعزیه داری در هند، کیهان فرهنگی، ۱۳۶۳
- موسوی، سیدمهدی، عوامل گسترش اسلام و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در شبه قاره، علیزاده فلسفه و کلام
- گذری بر عاشورای لکهنو، ذکر گو، نامه فرهنگ، زمستان ۱۳۶۹
- رضوی، سید منظر عباس نقش شاهان آوده در گسترش تشیع، سخن تاریخ، زمستان ۱۳۸۸
- رضوی، سید منظر عباس نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در آوده، سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۹
- Cole, J. R. I. **Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq: Religion and State in Awadh, 1722**, Seyed, 1859. Berkeley: University of California Press, 1988
- **India (Republic) Office of the Registrar General, census of india**, Delhi, Manager of Publications, 1961-1974
- Nevell, h.a, **Lucknow (the capital of Oudh) an illustrated guide to places of interest**, with history and map, London, 2014